

آینه

کیم‌ان

اگر همه آتش‌نشانی بودیم

● محمد اجمانی: ...
برخی از همین‌ها که مثلا در ماجرای تلخ ساختمان پلاسکو، اشک تمساح می‌ریزند، قطعا اگر مباردت به کار پیشگیرانه می‌شد، علیه آن اقدام موضع می‌گرفتند؛ چنان‌که در ماجرای مشابه بر سر کاستن آن طبقات پاساژ علاءالدین، هوچی‌گری کردند.
قبیل این نشریات چند سال پیش تمام صفحه اول خود را به عکس ششیک از بابک زنجانی و تیتر تبلیغاتی «جوان ۲۵هزارمیلیاردی» اختصاص دادند اما حالا عکس تمام‌قد صفحه را به عکس شلخته و بازداشت‌شده او و تیتر «بدهکار ملی» زینت می‌دهند!!
همین طیف یک بار در تیر ۸۹ و بار دیگر در مهر ۹۱ به تحریک و فضاسازی برای ناآرامی و تعطیلی بازار پرداختند؛ همچنان که در ماجرای درست سهمیه‌بندی و ساماندهی مصرف بنزین (هفت، هشت سال پیش) به‌جای حمایت از اقدام مسئولان، به استقبال ناآرامی و اغتشاش رفتند و تیترو و عکس‌های تمام‌صفحه را با عناوینی نظیر «بلوای بنزین» و عکس پمپ بنزین آتش‌گرفته منتشر کردند. (ارگان کارگزاران).

انتقاد

ایران در برابر تلاش‌های نتانیاهو و ترامپ هوشیار باشد

● امیرعلی ابوالفتح: ...
از دولت بوش تا امروز هم بحث مقابله با توانمندی‌های موشکی ایران مطرح بوده است. در دوره بوش، این سامانه‌ها برای مقابله با توانمندی ایران، سیرهای موشکی در رومانی و لهستان مستقر شدند و در دوره اوباما، در چک و بلغارستان این سامانه اچدا گشتند.
ترامپ هم این مسئله را مطرح کرده ولی معلوم نیست چه کار رسمی می‌خواهد انجام دهد. با این وجود، استقرار سامانه‌های موشکی مختص به ایران نیست و پشت‌پرده آن موشک‌ها، روسیه است. هرگونه سامانه موشکی در هر کجایی که باشد، روس‌ها را هم می‌تواند مورد هدف قرار دهد. به نظر می‌رسد پس از پایان ماه عسل ترامپ و پوتین، روابط آمریکا و روسیه مجددا به سمت تنش خواهد رفت.
اینکه سامانه موشکی همان روز اول مطرح می‌شود، نشان می‌دهد قرار نیست پشت لیجندهای ترامپ، رقابت‌های میان مسکو و واشنگتن هم مورد نادیده قرارگرفتن واقع شود.

جمهوری اسلامی

دوران افول آمریکا

● ...
ترامپ، برای آنکه آرزاه صهیونیست‌ها را جلب کند در تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری به رژیم صهیونیستی وعده داد
سفارت آمریکا را به قدس اقتتال خواهد داد. علاوه بر این، سران رژیم صهیونیستی به‌قدرت‌رسیدن ترامپ را یک فرصت استثنائی برای این رژیم می‌دانند و در انتظار حمایت‌های بیشتر دولت آمریکا هستند. اگر ترامپ بی‌احتیاطی کند و طبق میل سران رژیم صهیونیستی عمل نماید، قطعا این رفتار او جرقه‌ای خواهد شد که انبار باروت فلسطین را به آتش خواهد کشید و دولت آمریکا را دچار بحرانی جدی خواهد کرد. به این ترتیب، شرایط کنونی آمریکا به صورت جدی مبهم است و شاید بتوان گفت ریاست‌جمهوری ترامپ بر آمریکا، آغاز دوران افول این کشور است، همان چیزی که تعدادی از سیاست‌مداران کهنه‌کار غربی نیز پیش‌بینی کرده‌اند.

تقلیدتاریخ

جان دوباره نتوانک‌ها پس از روی کار آمدن ترامپ

● رحمان قهرمان پوز: ...
روی کارآمدن ترامپ در قیاس با اوباما، قطعا به ضرر ایران خواهد بود و باعث افزایش تنش میان دو کشور در حوزه‌های مختلف خواهد شد.
نخستین نشانه این تنش، نوشتاری است که در گزارش سایت رسمی کاخ سفید منتشر شد؛ گزارشی با این مضمون که دولت جدید آمریکا برای مقابله با تهدیدات احتمالی ایران و کره‌شمالی، سپر دفاع موشکی ایجاد خواهد کرد...
تیم نتوناکس‌وایتس‌ها دوباره به قدرت بازگشته‌اند و اگر بنا باشد جزئی‌تر با این موارد مواجه شد، می‌توان ریشه را در همان ایده «ایران، محور شرارت» جست.

ایران

«آستانه»؛ نشست متفاوت

● جعفر حق پناه:
غیاب اراده و راه‌حل بین‌المللی برای حل بحران‌هایی از جنس بحران سوریه، ابتکارهای منطقه‌ای به شرط دریافت حمایت محدود از ناحیه قدرت‌های بزرگ توان اثربخشی بالایی دارد.
بنابر نظریه‌های مطالعات منطقه‌ای در شرایط کنونی پس از یک سردد که مناطق از استقلال عمل بیشتری نسبت به نظام بین‌الملل برخوردارند، قدرت‌های منطقه‌ای بعضا توان بیشتری حتی در مقایسه با قدرت‌های جهانی برای امنیت‌سازی و نقش‌آفرینی سلبی و ایجابی در ایجاد یا برهم‌زدن ترتیبات امنیتیِ مغایر با منافع خویش برخوردارند. چنان‌که درحال‌حاضر در مدیریت بحران سوریه ایران و ترکیه از چنین موقعیتی برخوردارند.
نفوذ این دو دولت و همراهی روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی با آنها توانست مقدمات کاهش بحران، مدیریت جنگ در شرق حلب و خروج مردم از این شهر و سپس برقراری آتش‌پس سراسری شکننده اما کمابیش پایدار را برای نخستین‌بار تمهید نماید.

سیاست

گفت‌وگو با پروف‌سور گارنیک آساطوریان

نگاهی به مسئله «زبان و قومیت» در ایران



یا قومی- دینی (ethno-religious communities)، یعنی گروه‌هایی که هویت قومی آنان بر پایه یک دین معین بنا شده است، پدیده‌ای علی حده هستند و آنها را باید به گونه دیگری تشریح کرد. در جوامع مذکور، هویت بر عکس جنبه زیربنایی دارد و بقیه مؤلفه‌ها، رونیایی، درضمن در تشریح قومیت، گاهی ویژگی‌های روحی و خلق‌وخو بومی نیز به مثابه شاخص قومیت به شمار می‌روند، ولی به نظر من، این مورد اخیر اکتسابی است و جنبه ثانوی دارد، هرچند در بعضی از موارد می‌تواند یک فاکتور جداگانه در تعریف قومیت محسوب شود.

نظرات برخی از منتقدان درباره دیدگاه‌های مزبور، نشان‌دهنده این بود که از فعالیت‌های علمی- پژوهشی فرهنگستان زبان و ادب فارسی اطلاع کافی ندارند و گویا نمی‌دانند در بطن این نهاد، گروهی به نام «زبان‌ها و گویش‌های ایرانی» وجود دارد که به‌طور روشمند به جمع‌آوری مواد زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و پژوهش درباره آنها می‌پردازد. گویا عده‌ای گمان می‌کنند تنها کاری که در این نهاد انجام می‌شود، «واژه‌گزینی و معادل‌یابی» است. بگذریم از اینکه برخی نیز بسیاری از واژه‌هایی را که از باب طنز بین مردم رواج دارد به فرهنگستان نسبت می‌دهند و حتی بر این باورند فرهنگستان، بودجه مملکتی را با ساختن چنین واژه‌هایی به هدر می‌دهد.

دراین‌میان، برخی دیگر از صاحب‌نظران و استادان بنام نیز دیدگاه خویش را در موافقت یا مخالفت با آموزش زبان مادری بیان کرده‌اند که هر یک در جای خود ارزشمند است و اصولا نیل به حقیقت، از رهگذر همین اصطکاک افکار دست‌یافتنی است. ولی نقیضه‌ای که در اینجا به چشم می‌خورد این است که افراد مزبور که فیلسوف، جامعه‌شناس، روان‌شناس، انسان‌شناس یا استاد علوم سیاسی هستند، هر یک از منظر تخصصی خود به موضوع نگرسته‌اند که کاملا طبیعی و اتفاقا بجاست، ولی نگاه زبان‌شناختی و قوم‌شناختی به این مسئله نیز نته‌ها لازم، بلکه واجب است. به‌همین‌دلیل، نگارنده این سطور صلاح دید این موضوع را از یک زبان‌شناس و قوم‌شناس نیز در میان بگذارد و نظر وی را دراین‌باره جویا شود.

گفت‌وگویی که در ادامه می‌آید، دیدگاه پروف‌سور گارنیک آساطوریان، استاد دانشگاه روسی- ارمنی (اسلاونی) کشور ارمنستان و سردیر مجله بین‌المللی Iran and the Caucasus (انتشارات «بریل»- لیدن- بوستون)، درباره «زبان، قومیت و حق آموزش به زبان مادری» است. ایشان چند سال پیش کتابی نیز در این زمینه با عنوان «ترکیب قومی ایران: از پهنه آریایی تا اسطوره آذربایجان» به زبان روسی تألیف کرده‌اند که متأسفانه هنوز به فارسی ترجمه نشده است. البته چکیده این کتاب، در مقاله‌ای با عنوان «یافت نژادی مردم ایران: گوناگونی قومی یا گوناگونی زبانی؟» در مجله فرهنگ مردم (سال دهم، شماره‌های ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۹۰) به چاپ رسیده است.

آ ابتدا می‌خواهم پرسش تلقی، تعریف و برداشت شما از قومیت چیست؟ زیرا همان طور که می‌دانید، قومیت از آن دست مفاهیمی است که در تعریف آن نیز صاحب‌نظران اجماع وجود ندارد.

قومیت یک مفهوم چندوجهی (multifaceted) است، یعنی جنبه‌های مختلف دارد. نمی‌توان قومیت را در یک جمله یا در چند سطر تعریف کرد. این پدیده در هر حیطه جغرافیایی و در هر برهه از زمان، تعریف خاص خود را دارد و نمی‌توان یک تعریف را به زبان‌ها و مکان‌های مختلف تعمیم داد. به‌همین‌دلیل ما اکنون، فقط درباره مفهوم قومیت در ایران معاصر صحبت خواهیم کرد.

در رابطه با ایران، قومیت یک اصطلاح شرطی است، چون به نظر بنده، در این کشور قومیت به مفهوم عام وجود ندارد. هرچند می‌دانم غالبا ایران را کشوری کثیرالاقوام (multiethnic) می‌پندارند و این گفته بنده ممکن است با انتقاد برخی محافل روبه‌رو شود. من اصلا معتقدم در ایران تنوع قومی وجود ندارد، بلکه ما با گوناگونی زبانی (در بیشتر موارد گویشی) و خرده‌فرهنگ‌های بومی مواجه هستیم.

قومیت بر چند اصل بنیادین استوار است: نخست، خاستگاه نژادی و حافظه تاریخی مشترک؛ دوم، گستره جغرافیایی ویژه، یعنی اینکه یک قوم از کجا به وجود آمده و از نظر تاریخی متعلق به چه سرزمینی است؛ سوم، زبان مشترک؛ چهارم، فرهنگ مشترک و پنجمین فاکتور که از همه مهم‌تر است، خودآگاهی و هویت قومی است که با وجود اهمنیتی که دارد، پدیده‌ای بسیار نوسان‌پذیر است و بسته به یکی از عوامل گفته‌شده ممکن است شدت و ضعف پیدا کند و حتی اشکال مختلف، از جمله کاذب به خود بگیرد. باین‌همه، اعلان وجود یک قومیت وابسته به مؤلفه خودآگاهی قومی است و به طور مستقیم تحت‌تأثیر آن قرار دارد البته این فاکتور در برهه‌های زمانی مختلف می‌تواند حتی حالت مجازی نیز داشته باشد. اگر برای

- حداقل در مراحل اولیه آن-

اقوام متعددی نقش داشته‌اند،

این‌طور نیست؟

بله! این نظر تا حدی درست است، ولی خواهش می‌کنم این دو پنداره را با هم نیامیزید؛ نخست، «قوم» و «قبیله» و دوم، «زبان» و «قوم» را. قبیله‌ها، عشایر و خانواده‌های بزرگ به مثابه شکلی از زندگی اجتماعی حتما وجود داشته‌اند و نقش مهمی در زندگی سیاسی کشور ایفا می‌کرده‌اند. مگر هخامنشیان، قبیله یا خانواده بزرگ نبودند؟ خانواده‌های دوران اشکانی یا ساسانی چطور؟ من در گفت‌وگو با حضرت‌عالی قوم را به معنی ethnos نژاد به کار می‌برم. نکته مهم دیگر اینکه زبان را به هیچ وجه نباید با قوم یکسان دانست. وقتی درباره نیاکان و پیشینیان اقوام امروز ایران در دوران باستان سخن می‌گوییم، منظور ما حاملان حالت‌های اولیه گویش‌ها و زبان‌های امروزی است؛ مثلاً می‌گوییم گویشوران لهجه‌های کردی، سمنانی، سیوندی، مرکزی، بلوچی در دوران اشکانی، ساسانی و ... در زمان هخامنشیان این گویش‌ها هنوز شکل نگرفته بودند حتی من فکر می‌کنم در دوره اشکانیان نیز زبان‌های این مردم نخستین مراحل شکل‌گیری را طی می‌کرده و اصلا خبری از اقوامی با نام‌های امروزی نبوده است.

با استفاده از ایماژ ساختمان می‌توان گفت در آن زمان فقط پایه این ساختمان‌ها و شاید دیوارهای آنها چیده شده بود و بنابراین این ساختمان‌ها نمی‌توانستند نمایهای جداگانه یا به عبارت دیگر، هویت قومی یا گروهی داشته باشند.

پس با خیال راحت می‌توانیم تأکید کنیم ایران به شکل امروزی آن یک ساخت طبیعی است که در سه هزار سال قبل شکل گرفته است. هیچ بخشی از این کشور در طول تاریخ با جنگ و لشکرکشی تسخیر نشده است که سپس به آن الحاق شود.

وقتی من درباره ایران فکر می‌کنم درخت توموندی در ذهنم مجسم می‌شود که تنه ستبری دارد و از آن شاخه‌های متعددی منشعب شده‌اند و این شاخه‌ها نهتنها به تنه، بلکه به یکدیگر نیز متصلند. قسمت سبز این درخت یا تاج آن مثل گنبدی یکپارچه تنه را زینت می‌دهد، این شاخه‌ها چنان با یکدیگر پیوند دارند و چنان در یکدیگر فرورفته‌اند که حتی دست‌بردن بین آنها امکان‌پذیر نیست. به طور بسیار شرطی می‌توان حمله تازیان را به ایران محل اتصال تنه به شاخه‌ها دانست و تأکید کرد صحبت از تنه بدون اشاره به شاخه‌ها یا همان گنبد و توصیف گنبد بدون صحبت‌کردن از تنه اصلا امکان‌پذیر نیست. این تشبیه گویای آن است که گروه‌های فرهنگی- قومی ایران امروز پس از استیلای اعراب به وجود آمده‌اند و پیش از آن وجود خارجی نداشته‌اند. ایماژ باغ یا گلستانی با گل‌های رنگارنگ که برخی در رابطه با ایران امروزی به کار می‌برند ایماژ درستی نیست، زیرا باغ یا گلستان، بیشتر یادآور یک پدیده موقت و مصنوعی است و تنوع گل‌ها نیز غالبا دشت و صحرا را به‌ خاطر می‌آورد. بنابراین ایران یک پدیده منحصربه‌فرد طبیعی است و وقتی آن را با کشورهای مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق مقایسه می‌کنیم، مرتکب یک اشتباه متودولوژیک فاحش می‌شویم، یعنی یک ساخت طبیعی را در مقابل یک پدیده مصنوعی قرار می‌دهیم.

اگر ممکن است درباره ساخت‌های طبیعی و مصنوعی در کشورهای کثیرالاقوام کمی بیشتر توضیح دهید.
اصولا کشورهایایی را که تنوع قومیتی در آنها بسیار برجسته است، از نظر ساخت می‌شود به سه دسته تقسیم کرد: ۱- کشورهای با ساخت طبیعی، مانند ایران، هندوستان و پاکستان ۲- کشورهای با ساخت مصنوعی یا سیاسی، مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق که ساختی بسیار ناپایدار دارند و دیر یا زود دچار فروپاشی می‌شوند، همان‌طور که در مورد شوروی سابق این اتفاق افتاد. در اینجا لازم است اشاره کنم بیشتر امپراتوری‌های دنیای باستان بر پایه همین ساخت شکل گرفته‌اند و ۳- کشورهای دارای ساخت نیمه‌مصنوعی یا نیمه‌سیاسی، مانند فدراسیون روسیه یا بلژیک که در نتیجه روندهای طبیعی و تا حدودی با

اصولا کشورهایایی را که تنوع قومیتی در آنها بسیار برجسته است، از نظر ساخت می‌شود به سه دسته تقسیم کرد: ۱- کشورهای با ساخت طبیعی، مانند ایران، هندوستان و پاکستان ۲- کشورهای با ساخت مصنوعی یا سیاسی، مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق که ساختی بسیار ناپایدار دارند و دیر یا زود دچار فروپاشی می‌شوند، همان‌طور که در مورد شوروی سابق این اتفاق افتاد. در اینجا لازم است اشاره کنم بیشتر امپراتوری‌های دنیای باستان بر پایه همین ساخت شکل گرفته‌اند و ۳- کشورهای دارای ساخت نیمه‌مصنوعی یا نیمه‌سیاسی، مانند فدراسیون روسیه یا بلژیک که در نتیجه روندهای طبیعی و تا حدودی با



عکس

حامد علی‌نور

تسنیم

آینه دیروز

۹ سال پیش

در چنین روزی

کیم‌ان

- انتقاد آیت‌الله جنتی از بی‌تفاوتی علمای اسلام و دانشگاه الاهر در قبال محاصره غزه
- ایران و مالزی قرارداد ۱۰۲میلیاردیرویی نفتی امضا کردند

- سعید جلیلی با تأکید بر شکست روند صدور قطع‌نامه خبر داد: موضوع هسته‌ای ایران باید به آژانس برگردد
- سفیر ایران در عراق: بخش عظیمی از توابین گروهک منافقین خواستار بازگشت به کشورند
- سفیر ایران در سازمان ملل در نامه به بان کی‌مون و شورای امنیت خواستار مسئولیت‌پذیری این سازمان در قبال فاجعه غزه شد
- وزیر خارجه: آمریکا باید به اشتباهات خود در قبال ایران اعتراف کند

انتقاد

- شهاب‌الدین صدر اعتراف کرد: درصد بالایی از کاندیدهای تأییدشده اصولگرا هستند
- توزیع پیش‌نویس قطع‌نامه جدید تحریم: رایس: خواستار مذاکره‌ایم اما به شرط تعلیق
- آیت‌الله منتظری از رد صلاحیت‌های گسترده در انتخابات مجلس هشتم انتقاد کرد
- دبیر کل حزب اعتماد ملی در واکنش به رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان: با بزرگان نظام مذاکره می‌کنم
- دبیرکل حزب اراده ملت: عملکرد نامطلوب دولت و بازسازی تشکیلاتی دو عامل مهم در اقبال عمومی به اصلاح‌طلبان است
- آرمین، سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب: فقط در انتخابات رقابتی شرکت می‌کنیم

ایران

- دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار با مقام‌های اتحادیه اروپایی مطرح کرد: طرح همکاری فراگیر ایران و اروپا
- رئیس مجلس: پروتکل الحاقی را تا احقاق کامل حقوق هسته‌ای تصویب نمی‌کنیم
- رئیس قوه قضائیه خبر داد: رسیدگی بدون اطاله دادرسی به شکایات انتخاباتی
- وزیر خارجه: صدور قطع‌نامه علیه ایران بی‌فایده است
- سخنگوی دولت عراق: سفر احمدی‌نژاد به عراق تاریخی خواهد بود
- سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی: رد صلاحیت دوم‌خردادی‌ها بر اساس مواد ۲۸ و ۵۰ قانون بوده است

اقتاب

- ارنئیس دولت اصلاحات: دموکرات‌ترین کشور در خاورمیانه ایران است
- دیدار [رئیس دولت اصلاحات]: دبیرکل حزب اعتماد ملی و آریستاتلا هاشمی‌رفسنجانی برای بررسی رد صلاحیت‌ها
- دبیرکل حزب اعتدال و توسعه: متأسفانه در هر انتخاباتی عده‌ای دلسوزان نظام‌کنار گذاشته می‌شوند
- سعید جلیلی: تصویب قطع‌نامه جدید، به معنای بی‌توجهی به اعتمادسازی ایران است
- کروبی، دبیر کل حزب اعتماد ملی: یک انتخابات غیررقابتی بسنبدیده جمهوری اسلامی نیست
- رئیس خانه احزاب: بسیاری از ردصلاحیت‌شدگان دارای سوابق ارزشمند هستند
- رئیس ستاد ائتلاف اصلاح‌طلبان: در بررسی تعیین صلاحیت‌ها از طریق هیئت‌های نظارت پیکری می‌کنیم

جمهوری اسلامی

- سعید جلیلی در بازگشت از بلژیک: جریان قطع‌نامه‌ساز علیه ایران توفیقی نخواهد داشت
- وزیر خارجه: بوش جرئت اعتراف به اشتباهات خود درباره برنامه هسته‌ای ایران را ندارد
- ارنئیس دولت اصلاحات: افراطیون در هر مذهبی همیشه همه چیز را سیاه و سفید می‌بینند و ابزاری جز خشونت ندارند
- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور: بودجه شرکت‌های دولتی بعد از واگذاری حذف می‌شود
- روسیه ششمین محموله سوخت اولیه نیروگاه اتمی بوشهر را تحویل داد
- وزیر خارجه: ایران و مصر در آستانه برقراری روابط سیاسی هستند
- موسی‌پور، رئیس هیئت مرکزی بازرسی انتخابات: اعلام‌نکردن مکتوب رد صلاحیت‌ها به معنی تأیید صلاحیت است
- دبیر کل حزب اعتماد ملی: از حقوق ردصلاحیت‌شده‌ها دفاع می‌کنم

اطلاعات

- رئیس مجلس: در رد صلاحیت نامزدهای نمایندگی فارغ از گرایش افراد دقت شود تا حقی از کسی سلب نشود
- سخنگوی شورای نگهبان: رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی قطعی نیست
- وزیر خارجه: ایران و مصر در آستانه برقراری روابط سیاسی هستند
- موسی‌پور، رئیس هیئت مرکزی بازرسی انتخابات: اعلام‌نکردن مکتوب رد صلاحیت‌ها به معنی تأیید صلاحیت است
- دبیر کل حزب اعتماد ملی: از حقوق ردصلاحیت‌شده‌ها دفاع می‌کنم

بهره‌گیری از قدرت سیاسی، اقوام مختلفی را با یکدیگر متحد کرده‌اند. دوام چنین ساخت‌هایی تا حد زیادی بستگی به سیاست‌گذاری‌های دولت مرکزی و تلاش برای همگونی اقوام مختلف و ادغام آنها در قوم اصلی (title-nation) دارد.

البته این رده‌بندی نمی‌تواند پایه موثقی برای مقایسه و نتیجه‌گیری شود. مثلا برای تشریح مسائل قومی- زبانی ایران نمی‌شود هندوستان را مثال آورد، چون ایران و هندوستان درعین‌حال که ساخت طبیعی دارند بسیار با یکدیگر متفاوتند. کشور هندوستان ترکیبی است از اقوامی بسیار ناهمگون- آریایی‌ها، دراویدها، مونداه و... - که هر یک چندین میلیون نفر جمعیت دارند و تقریبا همه نیز از کتابت و فرهنگ چند هزارساله برخوردارند. بنابراین از این لحاظ ایران هیچ سختی یا هندوستان ندارد و الگوگرفتن از این کشور برای حل مسائل ایران اشتباهی بزرگ است.

۱۰ پس طبیعی‌بودن ساخت قومی در ایران بدین‌معنی است‌که قومیت اقوام ایرانی‌زبان عهد باستان – که اخلاف ساکنان اولیه فلات ایران بوده‌اند- به‌طور طبیعی دگرگون شده و این همگونی قومی حاصل دخالت‌های سیاسی نبوده است.

بنابراین می‌توانیم بگوییم آنچه در ایران از آن به گروه‌های قومی تعبیر می‌شود درواقع گروه‌های زبانی - مذهبی هستند که سده‌ها در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیز داشته‌اند و دارای حافظه تاریخی مشترکند و به‌همین‌دلیل، مقایسه ایران با کشورهایمانند آمریکای شمالی یا اتحاد جماهیر شوروی، قیاس مع‌الفارق است.

آری! حتی می‌توان گفت که در ایران فقط گروه‌های زبانی وجود دارد، نه مذهبی: حتی عرب‌های ایران، چون اکثر عرب‌ها بازماندگان عیلامی‌هایی هستند که ابتدا ایرانی‌زبان و سپس در دوران استیلای عرب‌ها، عرب‌زبان شده‌اند. به‌طور کلی در ایران، فقط دو نژاد وجود دارد، یکی نژاد ایرانی و دیگری نژاد ترک که همان ترک‌من‌ها هستند و جمعیت آنها هم بیش از نیم میلیون نفر نیست. این وضعیت در ایران از سه هزار سال پیش شروع شده است. البته در دوران قبل از هجوم آریایی‌ها، از حاشیه دریای خزر تا خلیج فارس و از غرب تا قندهار، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، اقوام مختلفی وجود داشته‌اند، ولی همگی آنها به‌تدریج و از لحاظ قومی با مهاجران آریایی همگون شدند و گویا از نظر فاکتورهای آنترپوپولوژی و فرهنگی نیز با مهاجران تفاوتی نداشته‌اند، ظاهرا تنها قوم متفاوت همان عیلامی‌ها بوده‌اند که می‌توان آنها را از لحاظ فاکتورهای آنترپوپولوژی یک قوم جداگانه به حساب آورد. حتی من فکر می‌کنم خود هندوایرانی‌هایی هم که وارد فلات ایران شدند، از نظر آنترپوپولوژی تفاوت فاحشی با بومیان ایران نداشته‌اند، بنابراین گوشه‌گوشه ایران متعلق به همه ایرانیان است. ترک‌زبان‌شدن بعضی از مردم ایران هم، از جمله در آذربایجان جنبه ثانوی داشته و مربوط به سده‌های اخیر است و درباره آن تحقیقات بسیاری انجام شده است.

۱۲ برداشت شما از اصطلاحات اکثریت و اقلیت در ایران چیست؟ به نظر جناب‌عالی، استفاده از این اصطلاحات تا چه حد در ایران معنادار است؟

به نظر بنده پنداره‌های «اکثریت» و «اقلیت» به آن صورتی که در کشورهای دیگر مطرح است، در ایران وجود ندارد. مثلا یک فرد اهل ایبانه که به زبان بومی خود صحبت می‌کند -که هیچ فرهنگی با کردی و بلوچی و... ندارد و یک زبان تمام‌عیار است- تا زمانی که در روستای خودش زندگی می‌کند «اقلیت» است، ولی همین شخص وقتی به کاشان می‌آید «اکثریت» می‌شود. یا کسی که در مراغه در خانه خود به زبان ترکی صحبت می‌کند یک اقلیت است، ولی زمانی که به انداختگاه یا اداره می‌رود دیگر جزء «اکثریت» به شمار می‌آید.

اجازه دهید برای روشن‌شدن این‌س مطلب مثالی بزنم: ایران مانند خانقاهی است که هرکسی در آنجا زاویه و حجره خودش را دارد و در کنج خلوت خویش منحصربه‌فرد است ولی وقتی همین شخص برای شرکت در مراسم سمعاع از حجره خویش بیرون می‌آید، با بقیه همرگ می‌شود و نمی‌توان این فرد را از دیگران تمیز داد. دو پدیده اکثریت و اقلیت در ایران چنان درهم‌تنیده‌اند که نمی‌توان برای آنها مرزی تعیین کرد، رویکرد به این مسئله در ایران باید این‌گونه باشد. وقتی الگوهای خارجی را به‌ طور مکانیکی در ایران پیاده می‌کنیم مشکلات بسیاری به وجود می‌آید و متأسفانه بسیاری از کزفهمی‌ها و هویت‌های کاذب که در این کشور در حال شکل‌گیری است، حاصل همین سوءبرداشت‌هاست.

در خارج از ایران برخی می‌گویند ۵۱ درصد مردم ایران، فارسی یا همان اکثریت هستند و ۴۹ درصد اقلیت و متأسفانه در ایران نیز برخی این سخنران را تکرار می‌کنند. ولی حقیقت این است که در ایران اصلا «فارسی» وجود ندارد، فارس کیست؟ آیا گیلک‌ها فارس هستند یا نه؟ سیوندی‌ها چطور؟ کاشی فارس است یا نه؟ چطور می‌توان اهالی گز، ایبانه، سیوند، سمنان یا حتی گیلک‌ها و مازندرانی‌ها و... را که به زبان مادری خودشان صحبت می‌کنند، و زبانشان دست‌کمی از کردی و بلوچی ندارد، «فارس» پنداشت ولی کرد و بلوچ را نه؟!
بله، در تهران مردم فارسی صحبت می‌کنند. فارس یک چیز بسیار شرطی و یک پنداره مجازی است که در دو دهه اخیر به وجود آمده و به وسیله جوامع ایرانیان خارج از کشور رواج پیدا کرده است.

ادامه در صفحه ۷